

طلبید

شود، ناگزیر است به اینکه در یک صحنه پردازشی بدیع و حجیم با نور پردازی درخشان و همچنین موسیقی گوش نواز و بازی پراحساس، معنی رسالت خود را ادا کند، تا هر چه شایسته تر جان کلام را در فرم، روح و معنی ببخشد. طراحان این نمایش همه و همه با تمام دانش فنی و اعتقادی خود به شکل گیری این مضمون و رسیدن به هماهنگی فرم و محتوا کمک کردند، پس این نمایش از هر لحاظ در اجرا، ساختار و مضمون نسبت به کارهای قبلی با کیفیت تر و پیشرفته تر است. در این اثر کاملاً فرم و محتوا متناسب با نیازهای فکری و روحی مخاطب پرورش یافته است. و البته امکانات ماشینری صحنه‌ای که تالار وحدت برای اجرای نمایش در اختیار هنرمند می‌گذارد هم بی‌تأثیر نبوده است.

در دراماتورژی این نمایشنامه تا چه اندازه به شاهنامه و هفت‌خان اسفندیار وفادار بوده‌اید؟

وقتی صحبت از نگاه آزاد می‌آید به این معنی است که همه چیز قرار است، با یک نگاه مجدد باز نویسی و باز آفرینی شود. نگاه آزاد به طور طبیعی یک نگاه خلاق و دراماتیک به‌اثر دارد. در این مقطع زبانشناسی در کنار مضمون اصلی باید حرف تازه‌تری را برای مخاطب داشته باشد. اما به هر حال با اینکه مخاطبان عمدتاً قصه هفت‌خان اسفندیار را نشنیده‌اند و بیشتر با هفت‌خان رستم آشنا هستند اما در پیش زمینه ذهنی خود درکی از هفت‌خان دارند که اتفاقاً فرازهای آن خیلی هم بی‌شباهت به این اثر نیست. به همین تناسب چیدمان‌های مانیز خیلی متناظر با خود روایت اصلی در حماسه سرایی شاهنامه نیست، مثلاً در هفت‌خان که ما متصور شده‌ایم، دو خان آن در دل یکدیگر است. مثلاً خان دوم در دلش خان سوم را دارد که نبرد اسفندیار با جادو زن است و همچنین خان چهارم در دلش خان پنجم را هم دارد و دریای سرخ و آژدها با هم در آن تلفیق شده‌اند. بنابراین خان اول جنگ و نبرد با گرگ هاست، خان دوم نبرد با شیر است که بعد از آن اسفندیار با طرح و توطئه جادو زن مواجه می‌شود، و گذر از وسوسه‌های شیطنانی جادو زن در واقع گذر از خان سوم است و بعد از آن گرفتار شدن در دریای سرخ و سوزان خان چهارم، و نبرد با آژدهای که در درون دریا سکنی گزیده می‌شود با طرح و تعلیق و بافت دراماتیک مجزایی که دارد خان پنجم را به نمایش می‌گذارد. خان ششم رویاروی پهلوان بازمهربر و زمستان سخت است و در نهایت خان هفتم در کوه قاف می‌گذرد و در این قسمت ما با گریزی که به عطار زده‌ایم طرح تکامل سفر اسفندیار را در شمایل سیمرغ یافتیم. در این خان به جای اینکه اسفندیار به نبرد سیمرغ برود و آن را بین ببرد، خودش به شمایل سیمرغ به پرواز در می‌آید، که نشان از تکامل قهرمان در این سفر جادویی دارد. در پایان نیز با هوشمندی برادر اسفندیار پیشوتن، روئین دژ به تسخیر در آمده و خواهران آزاد می‌شوند. این قصه خطی نمایش هفت‌خان اسفندیار است که ماسعی کردیم با اضافه کردن خرده داستان‌های جذاب و تنظیم و توالی خان‌ها قصه را امروزی‌تر کنیم و تماشاگر را به چیزی برسائیم فراتر از آنچه در شاهنامه خوانده است. و همین‌طور فرصت‌های بیشتری برای نشانه‌های دیداری و شنیداری در قصه پردازشی داشته باشیم. آنچه که در این راه بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است رسیدن به یک هارمونی محض است که تمامی اجزا در یک اثر کاملاً هماهنگ و انسجام یافته و بافته از معنی به صحنه برسد.

یکی از تفاوت‌های مهمی که بنده با دیدن این نمایش نسبت به نمایش‌های قبلی به آن برخورد کردم، این بود که در تئاتر موزیکال‌های قبلی، کاملاً خوانندگی بر عهده بازیگران بود، اما در این نمایش علاوه بر خوانندگی بازیگران روی صحنه، خواننده مجزا هم داشته‌اید؟

آثار قبلی به این خاطر که متن خارجی بود سبک موسیقی و آوازی آن هم متفاوت بود، البته از نظر بنده خالقان این آثار هنرمندانی چون دیکنز و هوگو، بین المللی و جهانی هستند، اما به هر حال نسبت به اثری چون شاهنامه و... مشترکات فرهنگی کمتری با ما دارند. به همین دلیل در نمایش حماسی انتخاب بازیگران در اولویت کار بوده است و سپس فاکتورهای مهم دیگر همچون بدن، بیان و خوانندگی در نظر گرفته شده است. در این نمایش رهبر اکستر و آهنگساز گروه نمایشی تا جایی که برایشان امکان داشته از ظرفیت صدای خود بازیگر استفاده کرده‌اند، اما به تناسب اینکه خوانندگی موسیقی سنتی و ارکسترایی در ایران ریشه‌ای بس عمیق دارد در قسمت‌هایی هم به صورت یک بوکال، خوانندگان ارکستر در بخش‌هایی بازیگران ما را همراهی کرده‌اند.

بعد از دیدن و لذت بردن از این نمایش اولین چیزی که ممکن است ذهن مخاطب را درگیر کند این است که برای این نمایش چقدر از نظر مادی هزینه شده است؟

به طور کلی تئاتر هنر گرانی است و از یک جا به بعد دیگر

فرقی ندارد که اثر در کدام سالن و تالار به روی صحنه می‌رود. اساساً و خصوصاً این دست‌نمایش‌ها که به آن بیگ پروداکشن می‌گویند و در آن از همه هنرها استفاده می‌شود، جزو نمایش‌های گران است و اگر قرار باشد مطابق با آنچه که برای پدید آوردن و اجرای اثر هزینه شده است، قیمت بلیت را تعیین کنند، چه بسا که هر قطعه بلیت باید با قیمت ۱ میلیون تومان فروخته شود اما خوب خوشبختانه در این اثر چندین سازمان و ارگان دیگر در کنار سازمان اوج، مشارکت‌های داشتند و هزینه‌ها را یائین آورده‌اند. به همین ترتیب وقتی یک نمایش معمولی که فاقد آکسسوار و طراحی صحنه است قیمت بلیت خود را میانگین تا ۲۰۰ هزار تومان برآورد می‌کند، پرداخت ۱۲۰ الی ۳۶۰ هزار تومان برای این نمایش با بیش از ۳۰۰ نفر عوامل هنرمند از نوازنده گرفته تا... نشان دهنده این است که مخاطب با پرداخت تنها ۵۰ درصد از مبلغ واقعی بلیت به تماشای کار می‌نشیند. به همین صورت هزینه‌ای که برای این نمایش صورت گرفته بیشتر یک مشارکت ملی و در سطح کار فرهنگی است. صد البته در راس این مشارکت سازمان اوج به عنوان سرما به گذار اصلی مسئولیت تولید این نمایش را به عهده گرفته و حتماً هم چندین برابر نمایش‌های دیگر در این اثر هزینه شده است، اما در کنار آن هم خوشبختانه مشارکت‌های دیگری از سمت بنیاد رودکی، وزارت ارشاد و... صورت گرفته که همه قابل تشکر و تقدیر است. چرا که تنها در این صورت بود که قیمت بلیت می‌توانست کاهش پیدا کند و به قیمتی متعادل برسد که همه بتوانند از تماشای این نمایش بهره‌مند شوند. بیش از یک سال و نیم پژوهش و نگارش این اثر زمان برد در این مدت ما نه تنها خسته نشدیم بلکه احساس کردیم که در طول این زمان همواره چیزهای به ما افزوده می‌شود و گویا ما برای این کار طلبیده و انتخاب شده بودیم و باید این بار مسئولیت و امانت ارزشمند را به جایگاه اصلی‌اش می‌رساندیم، این جایگاه اصلی قطعاً هنرمندان دیگر و آینده‌افزار آمیز هنری ایران است.

امکان اینکه این اثر نمایشی در کشورهای دیگر جهان هم به اجرا دربیاید وجود دارد؟

این نمایش از همان ابتدا در طراحی دکور با این پیش فرض که بتواند در سالن‌های متفاوت دیگری هم اجرا برود، ساخته و پرداخته شد. به این صورت که همین نمایشی که شما در تالار وحدت آن را می‌بیند با بخشی دکور واقعی و با بخشی به صورت مجازی قابل اجرا و پردازش است. و این برنامه‌ریزی مختص برای اجراء در شهرستان‌ها و کشورهای دیگر انجام شده است.

آیا برای اینکه مردم بیشتری از ایران این اثر هنری ببینند، برنامه‌ریزی خاصی صورت گرفته است؟

پیرو همان جواب قبلی، نمایش متناسب با سالن‌های مختلف قابلیت پردازش دکور در ال‌ای دی و به صورت ویدئو بال را دارد که دوستان شهرهای دیگر که امکان آمدن به تهران را ندارند، بتوانند این نمایش را ببینند. در حال حاضر برنامه‌ریزی اجرای نمایش بر یک سال و نیم اجرای مستمر بنا شده است که امیدواریم در این مدت بتوانیم مخاطبان بیشتری را به تماشای این نمایش و اثر ملی دعوت کنیم.

صحبت پایانی؛

امیدوارم این اثر گام آغازینی باشد برای هنرمندانی که در این حوزه قصد آفرینش و تولید دارند که هرچه زودتر آن‌ها هم وارد میدان شوند و نهادهای فرهنگی نیز این امکان را فراهم کنند که ما بیش از پیش بتوانیم از داشته‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی خود بهره‌مند شویم. برای یایی و ادامه این مسیر لازم است این اتفاق از سطح مدارس تا آموزش‌های عالی در فرهنگ و هنر ایران گسترده شود. ایران در زمینه منابع، متون کهن و گنجینه‌های ادبی غنی است و خوشبختانه چیزی در این حوزه کم نداریم. و اگر تاحال از این منابع استفاده نکرده‌ایم متأسفانه در یک غفلت فرهنگی به سر برده‌ایم. بیشترین متونی که در سطح ایران روی صحنه تئاتر ایران به اجرا می‌روند، متون خارجی هستند که کمترین مناسبت را با ارزشهای فرهنگی جامعه ما دارند. من معتقدم که نمایش هفت‌خان اسفندیار به ما هدیه شد و اسفندیار ما را در هفت‌خان طلبید و همه ما این توفیق را داشتیم که با هفت‌خان اسفندیار همراه و مانوس شویم و امروز به عنوان یک گروه بزرگ به نمایندگی از همه هنرمندان ایران و با حمایت سازمان اوج و سایر نهادهای دیگر این اثر را تقدیم به پیشگاه تاریخ نمایشی ایران و مردم هنر دوست ایران کنیم. مردمی که به دیدن نمایش می‌آیند قطعاً پس از دیدن این اثر حالشان خوب می‌شود و از اینکه ایرانی هستند احساس غرور و افتخار ملی می‌کنند. وقاب‌های خاطره‌انگیز این نمایش را با خود به یادگار از سالن می‌برند، آنچه که مهم است این است که در انتهای نمایش همه هنرمندان و تماشاگران در کنار هم می‌ایستند و فریاد می‌زنند؛ چو ایران مباشد تن من مباد.

